

آیا اعتراف مصطفی صغیر، ایجنت انگلیس ها، و نقشش در کشتن امیر حبیب الله خان یک داستان خیالیست؟

داکتر عبدالرحمن زمانی

بازنگری رویداد های تاریخی و بررسی مجدد نظریه های تاریخی قبول شده و تغییر آنها بر اساس شواهد جدید یا تحلیل انتقادی دارای اهمیت زیاد میباشد. تحقیقات تاریخی به طور مداوم شواهد جدیدی را به دست می آورد، شواهدی که ممکن است تفسیر کلی یک رویداد تاریخی را تغییر دهد.

وقتی آرشیف ها باز می شوند، اسناد از طبقه بندی محرمیت خارج می شوند، یا اکتشافات باستان شناسی انجام می شود، مؤرخ و محقق باید در روشنی شواهد جدید نظریه های موجود را دوباره ارزیابی کند.

با اطلاعات و شواهد تاریخی تازه، نظریه ها و نتیجه گیری های فعلی باید مجدداً ارزیابی شوند تا اعتبار آنها تأیید شود، بخصوص وقتی یافته های جدیدتر با توضیحات قدیمی تناقض داشته یا وقتی اشتباهات در طول بررسی مجدد کشف شوند.

چون تاریخ اغلب توسط پیرومندان نوشته می شود و در نتیجه به گزارش های مغرضانه منجر می شود، بازنگری رویداد های تاریخی به کشف تسلسل واقعی رویدادها کمک می کند و از پذیرفتن نسخه های مغرضانه به عنوان تاریخ واقعی جلوگیری می کند.

شرح رویداد های تاریخی گذشته میتواند تغییر کند

متأسفانه در جامعه ما افراد تحصیل یافته حتی در سطح کسانی که در رشته تاریخ دارای تعلیمات عالی بوده و یا استادان نامی فاکولته ادبیات و علوم اجتماعی هم گاهی اوقات فرض می کنند که تحقیقات تاریخی یک عملیه یکبار برای همیشه است که در نهایت منجر به یک نسخه نهایی واحد از آنچه در گذشته رخ داده، می شود. آنچه از محققین و نویسندگان ما که معتقد اند تاریخ هم مانند علوم دیگر همواره در حال بازبینی و بازنگریست، در بسیاری موارد مورد حملات شخصی و اتهامات مختلف قرار میگیرند.

قتل امیر حبیب الله خان و نقش بریتانیا

موضوع قتل امیر حبیب الله خان ملقب به سراج الملة و الدین در فبروری سال ۱۹۱۹ م، تا هنوز هم با گذشت بیش از یک قرن یکی از راز های به اصطلاح سر به مهری است که تا اکنون باز نشده و باوجود موجودیت روایات و نظریات مختلف به بررسی و تحقیق بیشتر ضرورت دارد.

خوشبختانه محترم احمد فواد ارسلا، نویسنده و محقق که شاید در بین افغان ها از اسناد آرشیف ملی امریکا از همه بیشتر استفاده نموده باشد، درین اواخر با نشر یک مضمون جدید تحت عنوان «قتل امیر حبیب الله خان و نقش بریتانیا با در نظر داشت معلومات تازه در مورد ایجنت بریتانیا مصطفی ساگر [صغیر]» یک اثر محقق ترکی بنام صالح کیش را معرفی نموده که با استناد مدارک و منابع استخباراتی و قضایی ترکیه در سال ۲۰۰۹ میلادی تحت عنوان مصطفی ساگر [صغیر] یک جاسوس بریتانیای در جریان اشغال و استقلال ترکیه، معلومات جدیدی را درین باره به نشر سپرده که قابل تقدیر است.

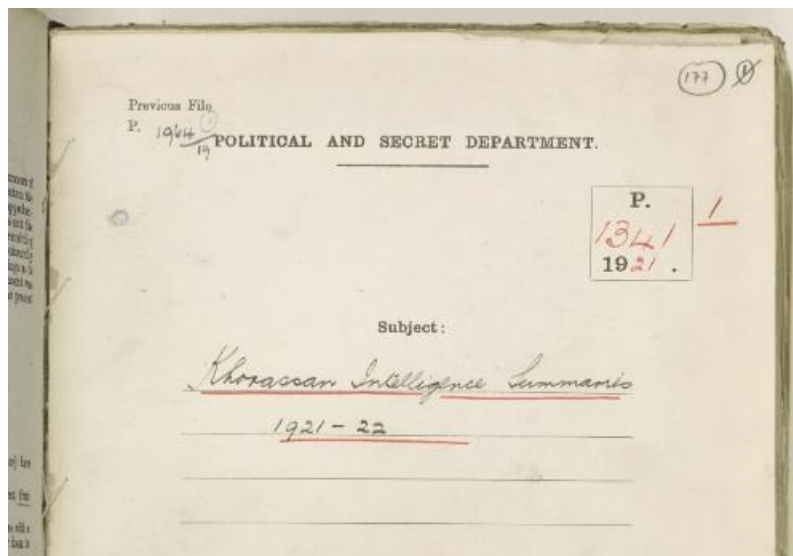
تفاوت نظر ها در رابطه با انگیزه های اصلی و عامل یا عاملان قتل امیر حبیب الله خان

داکتر سید عبدالله کاظم در رابطه با علت این تفاوت نظر ها مینویسد که «امروز با آنکه از این رویداد مدت ۱۰۶ سال میگذرد، هنوز هم این موضوع [بررسی زوایای تاریخ قتل امیرحبیب الله خان] مطرح بحث هموطنان علاقمند به تاریخ قرار دارد و گاه گاهی بحث های دلچسپ درباره انگیزه های این قتل، عامل یا عاملان آن و در نتیجه تحولات بس مهم بعدی آن با اختلاف نظرهاییکه در زمینه بین محققان تاریخ و نیز مردم عوام وجود دارد، صورت میگیرد. دلیل عمده تفاوت نظرها البته ناشی از فقدان اسناد و تحقیقاتی است که سالها در مغشوشیت قرار داشته و نیز در حاشیه شایعات و حتی ذهنیت سازی های رژیم های بعدی عمداً ایجاد شده و کسی جرأت نمیکرد در آن باره ابراز نظر کند و در جستجوی حقایق برآید. از آنروز تا حال هنوز هم عامل و یا عاملان قتل و انگیزه های اصلی آن در پرده ابهام قرار دارد و هیچ سندی در دست نیست که الزامیت قطعی این عمل را بطور یقین مشهود سازد. واقعه نگاران، محققان تاریخ و سیاسیون هریک بزعم خود در این مورد ابراز نظر کرده و بعضاً در آثار و نقل قول های خود شایعاتی را منعکس ساخته اند که بسیار سؤال انگیز به نظر می آیند». (داکتر سید عبدالله کاظم، بررسی زوایای تاریخ قتل امیر حبیب الله خان سراج المله، مضمون ۲۵ مارچ ۲۰۲۴ در پورتال افغان جرمن آنلاین)

اسناد آرشیف انگلستان در رابطه با مصطفی صغیر

درینجا میخواهم در رابطه بامصطفی صغیر، ایجت انگلیس ها، و نقشش در کشتن امیر حبیب الله خان دو سند مهم را خدمت علاقمندان تاریخ کشور عزیز ما تقدیم کنم:

سند اول - اعترافات خود مصطفی صغیر:

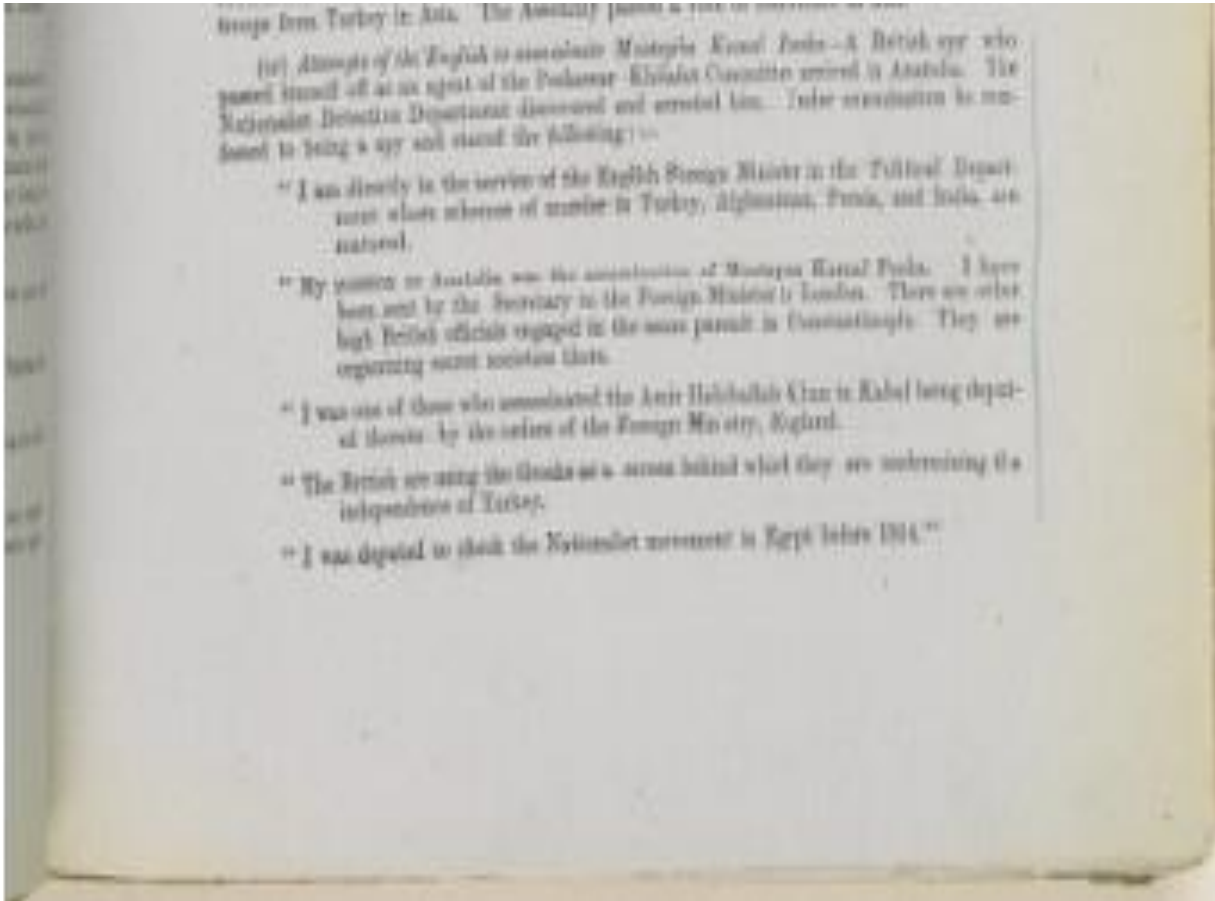


منبع این سند، اسناد اداره سیاسی و خصوصی، تحت موضوع «خلاصه های اطلاعاتی خراسان سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۲ در آرشیف انگلستان در کتابخانه بریتانیا به ادرس IOR/L/PS/10/972/1 می باشد.

این دوسیه در ۵۴۰ صفحه شامل گزارش های نویسی شماره دار (عمدتاً هفتگی) است که در ابتدا هر کدام «خلاصه اطلاعات» نامیده می شدند و بعداً «یادداشت

های اطلاعاتی مشهد» نامیده می شدند. این گزارش ها در ابتدا توسط مأمورین نظامی بریتانیا در مشهد و بعد از آن توسط آتش نظامی مشهد صادر می شدند. این خلاصه ها و یادداشت های اطلاعاتی مربوط به امور سیاسی، خارجی، نظامی و دیپلماتیک در محل و مناطق همجوار است و تحت عناوین گوناگون، عمدتاً خراسان و شمال شرق فارس، هرات و افغانستان، ترکستان روسیه، خراسان، فرانسه، گارنیزون های بلشویکی محلی، بخارا، تاشکند، روسیه مرکزی، خیوا، فرغان و سمرقند تنظیم شده اند.

این خلاصه های اطلاعاتی اغلب شامل ضمیمه هایی روزنامه های محلی و ملی است که در مناطق و کشورهای مورد علاقه منتشر میشد، از جمله نبات، رستا، ایزوستیا، اتفاق اسلام هرات، بدنوتا، پرولیتری، شرق ایران و پراودا.



ترجمه متن سند

«تلاش انگلیس ها برای ترور مصطفی کمال پاشا: یک جاسوس بریتانیایی که خود را بحیث نماینده کمیته خلافت پشاور وانمود میکرد، وارد آناتولی شده و اداره کشف ملی او را شناسائی و دستگیر نمودند. وی در جریان تحقیقات به جاسوسی خود اعتراف کرد و اظهار داشت:

- من مستقیماً در خدمت وزیر خارجه انگلیس در بخش سیاسی هستم که در آنجا نقشه های قتل در ترکیه، افغانستان، فارس و هند به سر رسیده اند.
- مأموریت من در آناتولی ترور مصطفی کمال پاشا بود. من توسط منشی وزیر امور خارجه در لندن فرستاده شده ام. مقامات بلندپایه انگلیسی دیگری نیز در قسطنطنیه مشغول تعقیب چنین اهداف هستند. آنها در آنجا انجمن های مخفی را سازماندهی می کنند.
- من یکی از کسانی بودم که به دستور وزارت خارجه انگلستان امیر حبیب الله خان را در کابل ترور کردم.
- انگلیس ها از یونانی ها به عنوان پرده استفاده می کنند که در پشت آن استقلال ترکیه را تضعیف می کنند.
- من قبل از سال ۱۹۱۴ برای تعقیب جنبش ملی گرایی در مصر مأموریت داشتم.

این جاسوس خود را مصطفی صغیر می نامید. او را پس از اثبات کامل جرمش در میدان انقره به دار آویختند و تفصیل دوسیه از طریق بی سیم به همه بخش ها اطلاع داده شد.»

سند دوم - یکی از اسناد آرشیف انگلستان در کتاب پالیسی خارجی بریتانیا بین سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹

این سندکاپی یک تلگرام بین مقامات بریتانوی میباشد که به تلگرام های تبادله شده متعدد دیگر بین قسطنطنیه و لندن راجع به اعدام مصطفی صغیر اشاره میکند.

No. 198

*Mr. Rattigan (Constantinople) to Earl Curzon (Received May 30, 11.30 a.m.)
No. 380 Telegraphic [E 6140/1/44]*

CONSTANTINOPLE, May 29, 1921, 4-45 p.m.

My telegram No. 366¹ and my telegram No. 370² (last paragraph).

Execution of **Mustafa Saghir** reported in my telegram No. 379³ affords still further proof that the attitude of Angora is completely anti-British and that leaders there will stop at nothing. Palitana incident⁴ at (? Adalia), closing down of Abbott's mines,⁵ denial of access to Nationalist ports to British ships,⁶ non-execution of exchange of prisoners agreement,⁷ and increasing violence of Angora press, all point in the same direction.

Our professions of neutrality in Turco-Greek conflict carry no conviction in Angora. Whether sincerely, or for reasons of policy, leaders there completely identify us with Greeks. Recent excesses of latter in Yalova⁸ area unfortunately tend to exacerbate feeling against us also.

Attitude of Angora towards French is hardly less hostile, though it is less violent. French High Commissioner here quite realizes that policy of conciliating Nationalists has proved a failure.⁹ Neither Kemalists nor Greeks seem really anxious to take initiative in fresh hostilities on a large¹⁰

It is difficult to see how far situation in Asia Minor . . . without¹⁰. When Sir H. Rumbold's telegram No. 325¹¹ was drafted it was possible to hope that even if Nationalists defeated Greeks they would hesitate to join issue with us openly and would prefer to acquire dominant position here gradually without open onslaught on allied forces. In their present mood however they are capable of bolder course. In case of Greek reverse we have to reckon with possibility of military attack accompanied perhaps by attempt at a coup de main here. Constantinople is ripe for disorder.

¹ Of May 21, not printed. In this telegram Sir H. Rumbold reported that his Italian colleague had information 'corroborating fact that extremists at Angora are in ascendant'.

² No. 182.

³ Of May 29, not printed. **Mustapha Saghir was a British Indian, who was held prisoner by the Nationalists. On May 12 Sir H. Rumbold had telegraphed to Bekir Sami claiming the surrender of this man under the exchange of prisoners agreement.**

⁴ See No. 180, n. 1.

⁵ See No. 169, n. 5.

⁶ See No. 192.

⁷ See No. 169.

⁸ See No. 172.

⁹ Cf. No. 166.

¹⁰ The text is here uncertain.

¹¹ No. 149.

یک نکته مهم درین سند در پاورقی آن توسط مؤلفین این کتاب که دو تن از پروفیسوران تاریخ در یونیورسیتی لندن میباشند، ذکر شده است. آنها به یک سند منتشر نا شده مؤرخ ۲۹ می حواله میدهند و مینویسند که «مصطفی صغیر یک بریتانوی هندی الاصل بود، کسی که توسط نشنلست ها دستگیر شده بود. و به تاریخ ۱۲ ماه می ایچ. رمبولد بصورت تلگرافی از بیکر سامی خواست تحت معاهده تبادله اسیران او را به انگلیس ها بسپارند.

(ادامه دارد)